

بسم الله التّور

الميزان خوانی جلسه صدو سوم- سوره مبارکه اسراء- ۴/ اردیبهشت/۱۴۰۲

- اهمیت جایگاه بیت المقدس از جهت سیر زمینی و آسمانی معراج حضرت رسول صلوات الله علیه و آله

- شرح آیات سیاق دوم از آیه ۱۱ تا آیه ۱۴

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ "

اهمیت جایگاه بیت المقدس از جهت سیر زمینی و آسمانی معراج حضرت رسول صلوات الله علیه و آله

جلسه ۱۰۳ المیزان هستیم در محضر سوره مبارکه اسراء، بنی اسرائیل .

و تبریک عید فطر و آرزوی قبولی طاعات و عبادات تون ان شاءالله.

ما سیاق اول را تموم کردیم با بحث معراج و بحث بنی اسرائیل، فساد اونها در زمین، نقل‌های مختلف، تأویل و تفسیر و تطبیق‌هایی که از دیدگاه مفسران انجام شده بود. رفتیم توی سیاق دوم اما همچنان موضوع اهل کتاب باز هست، بحث بنی اسرائیل باز هست و نگاه‌مون به سوره اسراء یه نگاه معراجی هست یعنی کاملاً عروج هست و یک طی الارض زمینی دارند پیغمبر (و یه طی الارض که نگیم) طی مسافت آسمانی دارند. حالا باز مسافت آسمان با زمین هم متفاوت هست. فاکتورهاش فرق می‌کنه.

به این شکل هست، بلا تشبیه البته، شما بعضی از فیلمها را دیدید یه سری حلقه‌هایی هست که توی برنامه زندگی پس از زندگی گاهی، گوی، حلقه هست، یه فضایی هست که ازش انتقال پیدا می‌کنید به یک فضای دیگه. یک تونل هست، (نمی‌دونم چی بگم)، یک میدانه، یک ساحته، از اونجا انتقال اتفاق می‌افته.

این نقطه انتقال زمین کجاست؟ این خیلی مهمه. که از اون نقطه اشیا و موجودات ماورایی وارد زمین میشن و موجودات زمینی وارد اون قسمت ماورایی میشن یعنی یک محل انتقال هست.

این کجاست؟ جسم هست؟ نه نه. ببینید دقیقاً توی فیلم هم اینو آوردند. فیلمهای هالیوودی مخصوصاً این را خیلی پیاده کردند و واقعا باور دارند.

در کره زمین، نقاطی را داریم. یک باور دینی بوده، بعداً توی فیلمها بهش پرداختند. ما نقاطی را داریم توی کره زمین که انتقال صورت میگیره، از اونجا موجودات زمینی و مادی میرن قسمت ماورایی و برعکس موجودات ماورایی از اونجا میان داخل زمین. این نقطه کجاست توی باورهای دینی؟ دوستان اگر میدونند بگن؟ در باور دینی یه نقطه بیشتر نیست. بیت المقدس!

یعنی دقیقاً بهش می‌گیم پورتال. پورتال، پورت یعنی انتقال دادن. پورتر شنیدید دیگه؟ این پورتر، پورتال، پورتال کره زمین در باور دینی، بیت المقدس هست. چرا؟

نقطه ای هست که حضرت سلیمان با اجنه اونجا مبارزه کرد یعنی اجنه از اون نقطه وارد زمین شدند و شیطنت کردند، حضرت سلیمان اونها را تسخیر کرد. و سند دیگه ای هم که داریم اینه که حضرت پیغمبر به صورت زمینی از کعبه، از مسجد الحرام تا بیت المقدس یا بیت المقدس، طی الارض کردند و از بیت المقدس رفتند به آسمان.

یعنی نقطه انتقال زمین به آسمان هست. یکی از دلایل اهمیت بیت‌المقدس اینه. که چرا اینقدر این نقطه مهمه؟
که چرا اینجا نماز کامله؟ چه اتفاقی میفته؟ چرا نیروهای ماورایی اونجا جمع میشن؟ چرا همه شیطنتهای دنیا اونجاست؟

سوال: شروع ساخت بیت‌المقدس کی بوده؟ تاریخ؟ پاسخ: از زمان حضرت داوود، حتی قبل یه نقاطی هست.

سوال: یعنی از زمان حضرت آدم بوده؟ پاسخ: بله.

بیت‌المقدس از زمان حضرت داوود به شکل بنا اومده و گرنه نقطه، نقطه زمینی هست که از اول خلقت بوده. ساختمان و بنا از زمان حضرت داوود هست ولی نقطه، نقطه‌ای هست که از اول خلقت هست.

به این نقطه میگیم که پورتال یعنی دقیقا حالا میگم بلاتشبییه، من مجبورم این فیلم ها را مثال بزنم، دیدید که توی فیلمها اون حلقه، اون تونل، توی این برنامه شبکه چهار هم بهش اشاره می‌کنه.

سوال: یعنی توی برنامه زندگی پس از زندگی اینها هم میرن اونجا؟ پاسخ: نه نه. اینها نمیرن اونجا. اینها هم این دریاچه‌ها براشون باز میشه. ولی الان در حال حاضر که مرگی وجود نداره، ما نمی‌خواهیم به مرگ نگاه کنیم همینجوری الان اجنه از کجا میان پایین؟ (۵ دقیقه) موجودات مادی از کجا میرن بالا؟ اگر بخوایم مسیر درستش را.

نقطه تجمع اجنه، بیت‌المقدس هست دیگه.

بنی اسرائیل واسه چی اونجاست؟ یهود اونجا چیکار می‌کنه؟ صهیونیست اونجا چیکار می‌کنه؟

من براتون یه زمانی جنگها را تشریح کردم. جنگهای قرن شانزده. اصلا دلیل جنگهای صلیبی چیه؟ که برن اونجا اون اسناد را در بیارن. اون سحر و جادوها را در بیارن. نقطه خیلی خاصی هست که توجه همه دنیا بهش جلب هست و نمیتونند اونجا را از دست بدن. دلیل اهمیتش اینه که اونجا در واقع انتقال ماده و انرژی هست. یا حالا بگیم انتقال ماورایی و ماده هست. ماده و معنا.

پیغمبر توی معراج شون زمینی از مسجدالحرام رفتند به مسجدالاقصی. از مسجدالاقصی حرکت کردند به بالا.

طبقات آسمان از مسجدالاقصی شروع شده .

سوال: دلیل اینکه مسلمانان هم می‌خوان اونجا را بگیرند همینه؟ پاسخ: دلایل اهمیتش زیاده. یکیش قبله اول هست. یکیش محل فرود پیغمبران هست. همه پیغمبران اونجا بودند. اگر اونجا زندگی هم نکردند یه گذری داشتند.

سوال: نه اینکه می‌فرمایید اونجا محل تجمع اجنه هست، بنی اسرائیل اونجا میره برای اینکه دسترسی به؟ پاسخ: از اون نیروها استفاده کنه برای تسخیر کل جهان.

دقیقا نقطه ظهور هم اونجاست یعنی یکی از نقاط ظهور هم بیت‌المقدس هست. از کعبه شروع میشه باز یه نقطه اش یه پاش، بیت‌المقدس هست.

اهمیت چندتا هست حالا یکیش اینه. که گفتیم پورتال هست. یعنی محل انتقاله. محل تجمع اجنه هست محل تجمع پیغمبران هست، محل تجمع نیروهای خیر و شر و همه اونجا هستند.

اینا رو گفتیم که جا نذاریم، نگاه بکنیم به بحث اهمیت بیت‌المقدس. ما نمی‌خواهیم بریم اونجا را فتح کنیم مثل بنی‌اسرائیل و بگیم اینجا مال ماست، ولی توی باورهامون یکی از نقاط مقدس دنیا هست. باید اجازه داشته باشیم بریم زیارت کنیم نمازی بخونیم و برگردیم. از لحاظ جغرافیایی مال ما نیست. از لحاظ قداست مثل کعبه هست. نگاهمون به کعبه چیه؟ یکی از نقاط عربستان هست، از لحاظ جغرافیایی، ولی توی باور همه مسلمانان یه نقطه‌ی مقدس هست. کربلا و مکانهای دیگه. بیت‌المقدس هم برای ما همین حکم را داره. بحث فتح جغرافیایی مدنظرمون نیست.

شرح آیات سیاق دوم از آیه ۱۱ تا آیه ۱۴

توی سیاق دوم تا آیه‌ی

آیه ۱۱ "وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿۱۱﴾"

يَدْعُ فعل مضارع است. از ریشه دَعَوَ، معنای، مطلق طلب. هر چیزی را انسان طلب کنه مصداق دعا هست چه لفظ، به لفظ بگم، چه عملی یا به معنا.

یه کاری انجام بدم که شما ازش طلب بفهمید. حتی اگر کسی به خدا اعتقاد نداشته باشه اما طلب داشته باشه باز هم مرجع این طلبش کیه؟ خدا هست چون هیچ معطی و هیچ عطاکننده‌ای به شکل واقعی جز خدا نیست. آیه‌ش چیه؟ "يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" سوره الرحمن.

مَنْ، من موجودات عاقل. و همه موجوداتی که در آسمانها و زمین هستند از خدا طلب می‌کنند چه خدا را قبول داشته باشند چه خدا را قبول نداشته باشند چون به هر حال تنها کسی، تنها وجودی که واجب‌الوجود هست و همه را اعطا می‌کنه به همه اعطا می‌کنه مصداق رحمانیتش هست خود خداوند هست. چه من خدا را قبول داشته باشم چه نداشته باشم به هر حال دارم از خدا طلب می‌کنم. یا مثلاً آیه‌ی "وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ" از هر چی که بخواهید خدا بهتون میده. خب پس دعا میشه، مطلق طلب.

"وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿۱۱﴾" انسان عجول است. عجول وزنش چیه؟ فَعُول. چه صیغه‌ای هست؟ دوستان هم بگن توی مجازی. (دقیقه ۱۰) وزنش چیه؟ فَعُول. کدوم وزن هست؟ مشببه نیست، مبالغه هست.

معمولا اول میگن مبالغه، اگر معنای مبالغه نگرفتید، حالا چون که مشترک هست اینجا مبالغه هست. انسان عجول هست همانطور که دنبال خیر و منفعت هست دنبال شر هم هست یعنی همونقدر که عجله داره یه خیری

و نفعی برای خودش کسب کنه، با همون عجله هم میره دنبال شر. چون که وقت نمیکنه یا حوصله نداره که بشینه بررسی کنه تحلیل کنه ببینه آیا این خیر هست، آیا این شر هست؟ به خاطر عجل بودنش.

علامه اینطور میفرمایند که وقتی که انسان چیزی را طلب می کنه صبر و حوصله به خرج نمیده. صلاح و فسادش را بهش فکر نمی کنه و با عجله و شتابزدگی میره سمت یه چیزی که هنوز نمی دونه چیه؟ ممکنه این اصلاً براش شر باشه، یه احتمال هم داره براش خیر باشه. توی وهله اول همه ما همینطور هستیم. خیر و شر بودن خیلی برامون مهم نیست.

یه چیزی هست می خوان به ما بدن، سریع به سمتش حرکت می کنیم. این، عجل بودن ما هست. این آیه انگار داره ما را تویخ می کنه. سرزنش میکنه.

بریم با آیهی قبل ارتباطش بدیم اونجایی که میگه که **"إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ"**

با اقوم بودن بیاییم این را ارتباط بدیم. به نظرتون چه ارتباطی هست؟ عجله مخالف اقوم هست.

احسنت. عجله مخالف اقوم هست خدا میگه من به شما یک آیین اقوم دادم، پایدار دادم، کاملاً قوانینش راست و درست هست، عجله تون برای چی هست؟

ما یه کتابی برای شما نازل کردیم.

خب؟ ما یه کتابی برای شما نازل کردیم که شما را به سوی یک آیین اقوم هدایت می کنه و به سمت سعادت می رسونه. به سمت اجر عظیم ارشاد می کنه اما جنس بشر، عجله هست. فرق داره بین خیر و شر و خیلی دنبالش نمیره.

هر چی براش پیش بیاد همون را سریع طلب می کنه. سزاوار نیست انسان دچار عجله بشه. عجله منفی هست. یه وزنی هم از عجله داریم توی قرآن که اون هم منفی هست، چیه؟ استفعال. استعجال. استعجال در قرآن منفی هست. عجله، منفی هست.

"خَلِقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ" انسان از عجله خلق شده یعنی اینقدر عجله هست خدا داره میگه انگار که همه وجودش، خمیرمایه ش، عجله هست. حوصله نداره و دیگه چی داریم از عجله؟

گوساله بنی اسرائیل اسمش چیه؟ عجل. چرا بهش میگن عجل؟ به محض اینکه به دنیا میاد میخواد پاشه راه بره، بهش میگن عجل.

توی قرآن به گوساله میگه عجل. و سریع هم اینا، بنی اسرائیل هم سریع پرستیدنش. یعنی صبر نکردند حضرت موسی ده روزش تموم بشه، بیاد. قرار بود سی روزه بره، سی روز شد چهل روز. توی اون ده روز عجله کردند و عجل را به خدایی گرفتند.

عجله هم داریم که به دنیا میگن. بله دقیقاً، اتفاقاً توی همین سوره اسراء.

پس این از اینکه، انسان از عجز بودن خودش ضرر زیاد می‌بیند. اونهایی که حوصله به خرج میدن، اونهایی که صبور هستند یا حداقل اینه که وجه عجله‌شون کم‌رنگ هست، چون همه‌مون عجله را داریم، همه‌مون این را داریم. اونهایی که وجه عجله شون را کم‌رنگ می‌کنند، موفق تر هستند.

سوال: باید بریم سراغ قرآن برای اینکه اقوم بشیم؟ پاسخ: بله؛ برای اینکه صبور بشیم باید با خود قرآن مانوس بشیم.

سوال: این **عَجَلَ فَرَجَهُمْ** که در دعا می‌گیم، این با کلمات قرآنی فرق می‌کنه؟ پاسخ: بله باب تفعیل هست. (دقیقه ۱۵) عجل امر باب تفعیل هست. فَعَلَ.

سوال: معنی بد و منفی نداره؟ پاسخ: ظاهراً نه. استعجال و خود عجله و اینها معنی منفی دارند اما باب تفعیلش مثبت، تعجیل. تعجیل منفی نیست، مثبته.

سوال: ببخشید؛ عجله اینجا معنی‌ش اینجوری شد که شر و خیرش را نمی‌دونیم سراغش میریم، درسته؟ پاسخ: نه. دنبال تحلیل و بررسی و تشخیص شر و خیر نمیریم اول. اول میریم که یه چیزی را داشته باشیم.

سوال: عجله یعنی قبل از اینکه مقدمات کاری فراهم بشه مثلاً بریم بخواهیم اون را انجام بدیم، درسته؟ پاسخ: یا اینکه قبل از اینکه یه کاری محقق بشه به زبونش حتی بیاریم. اینقدر توی بحث عجله ما روایت داریم که چرا یه کاری که هنوز اتفاق نیفتاده، یه خیری هنوز بهتون نرسیده چرا می‌گیدش؟ چرا اعلام می‌کنید؟

دقیقا همین. یعنی شما تا یه چیزی محقق نشده اتفاق نیفتاده، واقع نشده، نباید اعلامش کنید. چرا عجله میکنید؟

پس این سزاوار نیست هر چی دلش خواست طلب بکنه هر عملی که ارتکابش براش ممکن بود مرتکب بشه بعد بگه که خدا برای من فراهم کرد. میخواست این کار را نکنه یا اگر خدا نمی‌خواست من این کار را انجام نمی‌دادم.

آیه ۱۲ "وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلَنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)"

بعد بلافاصله نگاه بکنید "وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ" از چی رسیدیم به چی؟ اقوم بود آیین اسلام و قرآن. بعد بحث عجله و خیر و شر، بعد اومد سراغ شب و روز. حتما اینها یه ارتباطی باید بینشون باشه. چجوریه؟ معنی‌ش کنیم؟ "وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ" فعل جعل دو مفعولی هست پس مفعول اول میشه چی؟ لیل و نهار. مفعول دوم؟ آيَاتَيْنِ. درسته؟

ما شب و روز را دو تا نشانه قرار دادیم، آیت. آیت را چه جوری معنی کنیم؟ آیت یک سر نخ هست که ما را دلالت می‌کنه به صاحب آیت. آیت یک نشانه ای هست که ما اگر اون نشانه را اینجوری بگیریم مثل یک سرنخ، میرسیم به صاحبش. پس قرآن هم آیت هست. خب. شب و روز دو تا نشانه هستند.

بعد میفرماید که "فَمَحَوْنَا" محونا چه فعلی هست؟ چه ریشه ای؟ محو.

مَحَوْنَا، محوش کردیم چه نشانه‌ای را؟ لیل را، لیل را چیکار کردیم؟ شب را تاریکش کردیم "وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً" و اون یکی را، یعنی نشانه روز را چیکار کردیم؟ "مُبْصِرَةً" قرار دادیم.

سوال: منظورش این نیست که شب میره، بعد روز میاد؟ پاسخ: چرا؛ رفت و آمد شب و روز هست ولی می‌خواهیم ارتباط بدیم به خیر و شر. به خاطر همین توی اون سیاق می‌خواود صحبت کنه.

از محو و بصیرت داره حرف میزنه. یه چیزی تاریک میشه از جلوی چشم میره، یه چیزی میاد جلوی چشم.

حالا شما بفرمایید اینجا ما باز دو تا مفعول داریم، مفعول اول "وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً" چیه؟ آيَةً مفعول دوم؟ "مُبْصِرَةً"

یه نکته ای؛ چرا "مُبْصِرَةً" ت گرفته؟ آیت، ت داره.

یکی دیگه از دلایل را هم بیارید؟ نهار مونث مجازی هست. احسنت!

خب؟ که چیکار کنیم؟ یه لام آورده اینجا، این لام "لِتَبْتَغُوا" چیکار کنیم؟ که چیکار کنید؟ تا اینکه، میشه، لام غایت یا نتیجه. "تَبْتَغُوا" ریشه‌ش چیه؟ بغی، یعنی چی؟ (دقیقه ۲۰) بغی هم یعنی طلب. که شما چیکار کنید؟ به دست بیارید.

"فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ". پس ببینید؛ اینجا چقدر از توش گزاره در میاد توی چیزی که بصیرت هست و روشنایی هست، فضل هم هست. می‌گه که چی؟

"وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَبْتَغُوا فَضْلًا" خدا آیت نهار را برای شما روشن قرار داد تا دنبال فضل باشید شما برعکسش را بگید؟ توی تاریکی فضلی نیست.

فضل چیه؟ فضل یعنی زیادی، معنی اصلی‌ش یعنی زیادی. اینجا یعنی علاوه بر استحقاق.

یعنی اگر شما دنبال روزی حلال هستید جایی برید که چشمتون ببینه، و تشخیص بده و عجله نکنه. می‌خوام یه ارتباط بدم به قبل. درست شد؟ از عجله بیاییم پایین جایی که عجله هست، ببینید یه عالمه اینجا میتونیم حرف بزنیم.

شماها بگید. جایی که عجله هست تاریکی هست، جایی که تاریکی هست فضل به دست نمیاد. مادی، معنوی.

سوال: پس چرا قرائت قرآن شب باشه؟ پاسخ: شما بگید. شب و روز دو تا نشانه هست، مثال هست. نه اینکه شب مصداق شر باشه. درسته؟

سوال: چرا لیل و نهار وقتی آیه مادی هست تو بحث مادی بیشتر جواب میده؟ پاسخ: توی بحث مادی به قول شما بیشتر آیت هست، ولی کلا فضل هم ماده هست هم معنا.

خب دیگه چی؟ چی میتونیم بگیم با اقوم بگید.

سوال: آیا می توان تأویل مصدر برای مفعول دوم بگیریم و مبصره رو حال؟ پاسخ: مبصره را اکثرا گفتند مفعول دوم، حال هم می تونه معنی بده، مشکلی نداره. حال، میتونیم بگیم، در حالی که روشنی داره. ولی چون معمولا **جعل** دو مفعولش واضح هست، حالت اول اینکه که مفعول دوم بگیریم. حال هم بگیرید اشکالی نداره بعضی ها حال هم گرفتند.

داشتیم از اقوم می گفتیم. از بالا.. "إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ"

سوال: با حالت قیام و اقوم میتونیم به فضل برسیم؟ پاسخ: احسنت اینم باز یه گزاره جالبی هست.

در حالت قیام به فضل میرسیم و بصیرت.

به لیل و نهار اگر به شکل مخلوق نگاه کنیم که نتیجه نور و خورشید و ماه هست یه حالت هست، اگر هم مصداق همه تاریکی ها و همه روشنایی ها بگیریم خیلی کلی تر میشه. خب الان ببینید علامه چی گفتند؟

می فرمایند که اعمال خیر و شر همه به اذن خدا در عالم وجود تحقق پیدا می کند همه اونها با قدرتی که برای آدمی مقدور هست تحقق پیدا می کنه و جایز میشه. انسان هر چه را که هوس کرد، دنبالش میره و سراسیمه دنبالش می کنه. خب؟ و همونطور که توی اطاعت آزاد هست در معصیت هم آزاد هست یعنی دست انسان بازه این وری بره یا اون وری.

درسته که اینجوری هست ولی شایسته نیست دیگه. میتونه انجام بده ولی قشنگ نیست. واجبه یعنی خدا از این انسانی که دو تا راه برایش قرار داده با اختیارش می تونه هم این وری بره هم این وری، (دقیقه ۲۵) انتظار داره که اعمال شر را به مصداق لیل بدونه، تاریک کننده بدونه، نزدیکش نشه. اعمال خیر را مانند روز بصیرت افزا و بیناکننده بدونه و انجامش بده. بعد با اون، فضل را دنبال کنه. پس عمل دنبال ماست یا ما را به سعادت میرسونه یا ما را به شقاوت میرسونه.

خب گفتیم آیه در مقام توبیخ هست. انسان یک ذوق استعجالی داره توی وجودش، توی ذوقش، توی قریحه اش یک استعجال، عجله ای هست، طبیعی هست، خدا قرار داده ولی با اینکه خود خدا قرار داره انتظار داره که ما عجول نباشیم.

مراد از انسان هم، انسان و ماهوانسان هست. خب شما بفرمایید الف و لامش چه الف و لامی هست؟ باز شروع شد.

الف و لام انسان، چه الف و لامی هست؟ جنس از انواع استغراق یعنی الف و لام را برداری به جاش چی میداری؟ کل میداری، همه انسانها اینجوری هستند درجه ش متفاوت هست.

سوال: ببخشید علامه در واقع عجله را با هوی و هوس گفتند وقتی هوس می کنی سراغ یه چیزی میری؟ پاسخ: نه عام تر از هوس. هوس مطلق منفی هست. عجله ممکنه به یه چیز خیری هم برسی. ولی درستش اینکه که قبل

از اینکه داری حرکت می کنی به سمت یک چیزی، اول فکر کنی عجله نکنی، حوصله به خرج بدی، تحلیل کنی، تطبیق کنی مثلا، تا به چیز خوبی دستت بیاد ولی هوس مطلق منفی میشه.

سوال: خیر و شرش رو که نمی دونیم؟ پاسخ: برای همین میگه که صبر کنید به خرده فکر کنید. دو دو تا چهار تا کنید، به تحلیلی بکنید بعد برید سمتش.

خب پس اینجا الف و لام انسان، الف و لام استغراق هست.

آیه ۱۲ دوباره به لام دیگه هم داره که غایت تعیین می کنه؟ پاسخ: **"وَلِتَعْلَمُوا"** بله نتیجه دوم.

"وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ" نتیجه دوم شب و روز اینه که شما حساب روز و تقویم و سال و اینها دستتون باشه. این نکته خاصی نداره.

سوال: یعنی این تیکهش ربطی نداره به آیه قبلی؟ پاسخ: این فایده دوم اون آیت هست .

"وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا (۱۲)" هر چیزی را، **"كُلَّ"** چرا منصوبه؟ چون مفعول مقدم هست. **"خَب"** **"فَصَّلْنَا"** فعل هست. مفعول داره، فاعل داره، چی داره؟ هم فاعل داره. **"فَصَّلْنَا"**، هم مفعول داره ه. **"تَفْصِيلًا"** **"چیه؟** از ریشه خود فعل کلمه منصوب هست. مفعول مطلق نوعی هست.

"وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا (۱۲)" چجوری توی فارسی معنی میکنیم اینا؟

سوال: الان فاعلش ه میشه؟ پاسخ: ه مفعول هست، فاعلش نا هست.

سوال: **"كُلَّ شَيْءٍ"** را مفعول بگیریم یا ه؟ پاسخ: وقتی مفعول مقدم به این شکل میاد، میگیم به فعل توی دلش هست. میگیم مثلا میگه **"وَفَصَّلْنَا كُلَّ شَيْءٍ"** دوباره **"فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا"**. به فعل توی دلش میاریم.

خب؟ چجوری توی فارسی معنی میکنیم مفعول مطلق را؟ چطوری میگیم کاری کردیم کارستون؟ اون کارستون، مفعول مطلق هست. خدا میگه من هر چیزی را باز میکنم باز کردنی. تفصیل میدم تفصیل کردنی. توضیح میدم توضیح دادنی. تاکیده یا به چیزی علاوه بر اون هست. نباشه هم مفهوم کامله ها. **خب این جهت تاکیده (دقیقه**

۳۰

سوال: اینجا یعنی به خاطر این مثال لیل و نهار این را آوردند، **"وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا"**؟ پاسخ: برو از بالا بیا. **"إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ"** یکی از نشانه های راه اقوم، تفصیلش هست، همه چیز سر جا و جداگانه توضیح داده شده باشه.

سوال: یعنی انگار بقیهش وسط این؟ پاسخ: دقیقا. بله بله.

سوال: پس هر چیزی که بخواد اقوم باشه باید جزئی تر باشه؟ پاسخ: تفصیل هم باید توش داشته باشه. بله یعنی جای ابهام نباشه.

سوال: در مورد تفصیل ما در آیات بعضی جاها، تفصیل آیات داریم مثل سوره فصلت، شاهد تفصیل آیات بوده، در بعضی آیات هم اشاره به تفصیل حذفی میده مثل اینجا کل شیء نسبت به شی میده تفصیل را. میشه این را بفرمایید وجه تمایز تفصیل حذفی با تفصیل آیات؟ پاسخ: تفصیل آیات در مقابل احکام آیات هست یعنی اگر بیاییم داخل خود آیات قرآن صحبت کنیم احکام و تفصیل باهم هستند. احکام گفتیم یه چیزی را ببندیم جمعش کنیم، تفصیل اینه که بازش بکنیم مثل این چیه؟ چوبی که پشم میزنند هی باز می کنند هی میزنند به این میگن تفصیل. هی از هم فاصله میده هی از هم. توی این فاصله دادن، تمام اون ریز مواردش میاد بالا. حالا بیاد اینو تعمیم بده به عالم خلقت، هر چیزی با تمام جزییاتش تفصیل داده شده. جمعش بکنیم توی قرآن، یه مفهوم جمع تری هست، اگر بازش بکنیم، توی عالم هستی هست. همه عالم هستی را جمع کنیم توی مشت به اندازه نخود، خب؟ میشه همون رتق و فتق سوره انبیاء. اینو بازش بکنه خدا، میشه تمام جزییات مخلوقات و ریز احتیاجاتشون و نحوه زندگی شون و تدبیر امورشون و داخل آبش، بیرونش، هواش، موجوداتی که بین آسمان و زمین اند. این دیگه خیلی باز میشه خب؟ توی آیات قرآن میشه احکام و تفصیل. احکام و تفصیل آیات قرآن، کاملاً مسئله توحیدی هست این رو علامه توی سوره هود می فرمایند. میگن اگر همه آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه را جمع کنیم بریزیم توی یه ظرفی، اسم اون ظرف میشه احکام. احکامش چیه؟ توحیده. حالا اگر از توی این ظرف یه دونه، یه دونه اینها رو در بیاوریم، میشه توحید در اخلاق، توحید در عمل، توحید در عبادت، این میشه تفصیل آیات.

علامه میگن همه قرآن توی ظرف توحیده یعنی نگاهشون کاملاً توحیدی هست. بازش بکنیم میشه آیه وعده عذاب، آیه ی وعده بهشتی، آیات داستان انبیاء، امثال الحکم، فقه، احکام، خب، این باز میشه؟ جمعش می کنیم میشه همش توحید. حالا اینو بیاییم شما توی اشل عالم خلقت ببینید .

سوال: در مورد انبیاء همینطور اون دقیقاً "الاعتبدوا الاله"؟ پاسخ: بله، توی همون سوره توحیده، بله. "الاعتبدوا الاله". دقیقاً .

سوال: در مورد تفصیل در عالم، میشه مثلاً بگیم که اشاره ای به همون فلسفه ای داره که میگه وحدت در عین کثرت، کثرت در عین وحدت؟ اشاره ای به تکثر عالم داره در حالی که همه شون واحد هستند؟ پاسخ: بله. همه را جمع کنیم باز نگاه به سمت خدا هست.

اگر احکام و تفصیل را مربوط به آیات قرآن بدونیم مثل همون سوره هود، یه حرف هست. بیاییم اینو توی دایره بزرگتر توی عالم خلقت حرف بزنیم، میشه "وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)". این خلقت کل عالم هست.

سوال: این مربوط به کتاب قرآن نیست که گفتید آیه ۹ رو در نظر بگیرید؟ پاسخ: نه؛ گفتیم از اقوم بودن بیایید پایین. نه لزوماً خود قرآن و آیات قرآن.

سوال: آیات قرآن هم در واقع در مورد تمام هستی هست؟ پاسخ: یکی از موارد خلقت هست دیگه. بله میگم

دایره را بزرگتر کنید حرف بزرگتری میشه زد. (دقیقه ۳۵)

الف و لام جنس و استغراق.

ببینید، الف و لام جنس سه نوع هست:

۱. استغراق ۲. ماهیت ۳. مجاز

یکی از انواع الف و لام جنس، استغراق هست. استغراق یعنی همه را توی خودش غرق می‌کنه، به جاش کُل میذاریم. وقتی می‌گیم الف و لام جنس هست، شما باید براتون سوال پیش بیاد که چه نوع جنسی؟ استغراق هست؟ ماهیت هست؟ یا مجاز؟ که اینجا استغراق هست. آیه بعد:

آیه ۱۳ "وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)"

"وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ"

کُلَّ إِنْسَانٍ: چجوری معنی کنیم؟ این هم همونه دیگه، انگار یه مفعول مقدم هست، یه فعل در تقدیر داره، هر انسانی.

"أَلْزَمْنَاهُ" فاعل، مفعول. "نا" فاعل هست. "ه" مفعول.

أَلَزَمَ، أَفْعَلَ، افعال. ملزمش کردیم، به چی؟ چیش را ملزم کردیم؟ چی را بهش آویختیم در واقع؟ طائرش را. طائر اینجا یعنی چی؟

میگه: "وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ". این طائر از طیر میاد به معنای پرواز و پرنده و اینها. اینجا یعنی چی؟ تمامش، کلاً دیگه. بله تمام اعمال نیک و بد که سرنوشت ماست. طائر یعنی سرنوشت. عُنُق هم که یعنی چی؟ گردن. این خودش یه تعبیر هست. هر عملی انجام بدیم از ما جدا نمیشه. چسبیده به گردن مون، همین جا وبال گردن که می‌گن اینجامون هست. جدا نمیشه از ما.

"وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ" چرا میگه جدا نمیشه؟ چون از فعل لَزَمَ آورده. چه بخواد چه نخواد. لازمش کرده این عملش را.

"وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)" نُخْرِجُ بیرون میاریم انگار نشونش میدیم. انگار یه جایی مثلاً بلا تشبیه، یه جایی گذاشته دور از چشم، در خفا، انگار یه دفعه‌ای خدا ظاهرش می‌کنه.

"وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)" یه کتابی میاریم بیرون، یه کارنامه ای که ملاقاتش می‌کنه. این "يَلْقَاهُ" فاعلش کیه؟ انسان هست. "ه" میشه مفعولش. درسته؟

مَنشُورًا میشه چی؟ حال. درحالیکه این کتابه باز هست. تشبیه هست ها. فکر کنید یک پرونده هست اینقدر بازه که شما حتی نمی‌خواین ورقش بزنیند. جلوی چشم هست. از جنس کاغذ و چوب و اینا نیست.

باز حالا گریزی بخواهیم بزنینم به این برنامه زندگی پس از زندگی. اون عالم برزخ هست تازه. توی عالم برزخ ممکنه ریز اعمال هم تازه گفته نشه.

میدونید فرق عالم برزخ با قیامت چیه؟ توی عالم برزخ اون ویژگی که ما بهش معروف هستیم بهش می‌پردازند. دیدید توی این برنامه هر کسی با یه عملش مشغول بود مثلا یکی اسراف میکرد، دیدید؟ یکی توهین کرده بود به ائمه. اون ویژگی که توی دنیا خیلی بیشتر از همه نشان داده شده بود، بولد شده بود توی برزخ بهش می‌پردازند. چه خوب چه بد.

توی قیامت نه! ریز هست. دیگه اصلا همه چیز مشخص هست.

ممکنه برای همه‌مون سوال پیش بیاد که مثلا این آدم شاید کارهای دیگه هم مثلا کرده. مثلا ما انتظار داریم که خیلی مقیدتر از این باشه. این سوال برای همه‌مون پیش اومده. (دقیقه ۴۰)

یه ویژگی که توی عالم برزخ بولد شده بهش می‌پردازند، یک یا چند ویژگی. به همه جزئیات در عالم برزخ پرداخته نمیشه.

اینو توی خودمون جا بندازیم، ممکنه که ما هم خدای نکرده گناه اسراف داشته باشیم هم دروغگو باشیم هم غیبت کننده باشیم از توی اینها اونیه که بیشتر از همه هست را توی برزخ بهش می‌پردازند بقیه میمونه واسه قیامت.

خب؟ و نکته ای که خیلی از کارشناسان هم تاکید کردند، این افرادی که میان اینجا به قول مجری برنامه تجربه‌شون را برای ما بیان می‌کنند برای ما بت نشن یه وقت. ممکنه اینها اشتباه هم بکنند ممکنه مثلا حتی بعد از اینکه برگشتند یه عالمه کارهای دیگه هم بکنند. اینها برای ما چیز نمیشن، امام نمیشن.

سوال: اونهایی که به اعمالشون رسیدگی نمیشه؟ پاسخ: اصلا خدا محلشون نداده، توی خماری عالم برزخ میموندند. گفتیم توی عالم برزخ چند گروه هستند. یک گروه که اصلا باز نمی‌کنند، یک گروه به اون ویژگی که پررنگ بوده پرداخته میشه. چه خوب چه بد.

دوستان: حالا نمی‌خوام مصداق بگم ولی به بنده خدایی بود اومده بود اصلا فکر می‌کرد توی همین دنیاست. می‌گفت فکر می‌کردم شب شده الان باید برم شام آماده کنم. اصلا متوجه نبود ولی خب بعدش خیلی تغییر کرده بود.

دقیقا. اینه که هر کدوم با یه ویژگی توی عالم برزخ مشخص میشیم. توی این دنیا هر چیزمون بیشتر از بقیه بوده توی برزخ به همون می‌پردازند اما توی قیامت همه چیز هست. هیچی جا انداخته نمیشه. تازه توی برزخ، اینها میگن یه چیزی نشون موند دادند مثلا من پارسال یادمه که می‌گفتند مثلا یه حالت پرونده بود اما جنسش کتاب نبود کاغذ نبود. همه اعمال جلوی چشمم میومد. تازه این برزخش هست.

به قول شما مثال پرده سینما. یه مقطع هست، همش نیست. یه چیز را خواستن لابه‌لای اون پرده، یه نکته را بهش بفهمانند. همه زندگی نیما. همه اعمال نیما. خب؟ اینو باید جدا کنیم از هم.

سوال: اینهایی که برمی گردند باز همون عمل شون بدتر میشه یا یه گناه دیگه‌ای بهش آلوده میشن بدتر نیست؟
پاسخ: خب چون اتمام حجت شده کتکش هم بیشتر هست.

سوال: خب توانشون که اضافه نشده، فقط دیدند، مثل ما که می‌شنویم؟ پاسخ: اونها به یک یقینی هم رسیدند، اونها به عین‌الیقین هم در واقع رسیدند دیگه. ما یا علم‌الیقین هستیم، نهایت خیلی هنر کنیم توی علم‌الیقین هستیم. اونها به چشم دیدن.

سوال: اینکه میگن توی برزخ فرصت پاک کردن یکسری از گناهان هست، هست همچین چیزی؟ پاسخ: بله؛ از این دنیا بفرستی برای خودت. یه کاری انجام بدی که مدت‌دار باشه، زمان‌دار باشه و بعد از مرگ‌مون هم بهمون برسه. مثل احداث مثلا مسجد یا یه کار خوب، یه سنت خوب، برامون میرسه.

سوال: مثلا اینکه میگن کسی که فرصت نمی‌کنه مثلا دوست داره قرآن بخونه یا یاد بگیره، کلاس بره ولی فرصت نمی‌کنه، اجل مهلت نمیده، فوت می‌کنه بعد خیلیا هستند که مثلا می‌بینند که اونجا دارند کلاس قرآن میرن، ادامه دارند میدن و اینها؟ پاسخ: بله، امکان علم‌افزایی هست. بله. امکان آموختن هست در محضر اولیاء می‌تونیم اونجا استفاده کنیم. به شرطی که خواب نباشیم. چون بعضی‌ها توی عالم برزخ خواب هستند.

سوال: یعنی بستگی به دنیاشون داره؟ پاسخ: بله. اونجا فعال باشیم یه حرف هست، خواب باشیم یه حرف هست.

سوال: چجوری میشه فعال شد؟ پاسخ: چجوری میشه توی این دنیا فعال شد؟ فعالیت کنیم دیگه. بجنبیم.

سوال: طائر را گفتید همه اعمال میشه؟ چون فرمودید که اعمالی که سرنوشت ماست؟ پاسخ: همه اعمال نیک و بد. همش.

"اَقْرَأْ كِتَابَكَ" خب بذارید ببینم نکته ای نداره علامه؟

سوال: چیکار کنیم که اونجا خواب نباشیم؟ پاسخ: یه ویژگی از خودمون مدت‌دار کنیم ویژگی مثبت، یه کار حسنه، یه سنت حسنه، یه چیزی که، خودمون هم نیستیم، برامون بیاد. (دقیقه ۴۵)

سوال: مثل آقای قرائتی که نماز رو به اسم خودش ثبت کرده. نمازخانه‌ها، مساجد؟ پاسخ: یا خیلی کار کوچیک، یه دونه موقوفات، یه سقاخونه درست می‌کنند یکی رد میشه، آب میخوره، بهش میرسه.

سوال: یا اخلاق خوب، اخلاق خوب را تقویت کنیم. پاسخ: خیلی کار میشه کرد وقتی نیستیم.

دوستان: وقتی مهربانی کنیم و به دیگران یاد بدیم، اینجوری یاد می‌گیرند و ادامه دار میشه.

بعضی‌ها اینقدر خوب هستند هیچوقت از ذهن‌ها پاک نمیشن. (من بچه بودم حالا بریم داخل پیرانتر صحبت کنم اینو. ما یه همسایه‌ای داشتیم سنش بالا بود موقع‌هایی که پدرم نبودند میومدند پیش ما، پیرزن بودند و خیلی خوب بودند یعنی مصداق یک انسان با اخلاق حسنه بود. فوق‌العاده مهربان، فوق‌العاده اخلاق خوب، خیلی دوست‌داشتنی و دائم‌الصلاه بود. اینقدر هم آروم نماز میخوند، من که مثلا ۶_۷ سالم بود خسته می‌شدم که چقدر نماز میخونه چقدر هم آروم میخونه. قبل از نماز صبح که بلند میشد تا خود طلوع آفتاب فقط نماز

می‌خواند. پیرزن بود قدش خمیده بود تا خود طلوع آفتاب به آرامی بلند میشد یه رکوع طولانی، یه سجده طولانی، تمام. نماز قضای کل عمرش را چند بار خوانده بود و الان بعد از این همه سال، من هیچوقت از یادم نمیره، همیشه توی دعاهام ایشون را دارم.

شاید مثلا خیلی کار خوبی واسه من نوعی نکرده‌ها، چیز خاصی به من نداده‌ها. من اینقدر خوبی ازش توی ذهنم هست نمی‌تونم فراموشش کنم. هر دفعه خواستم دعا کنم اصلا ناخداگاه میاد جلوی چشمم.

دوستان: معلمتون بوده دیگه، کلی چیز ازش یاد گرفتید؟ استاد: نه میخوام بگم چیز مادی یا کار خاصی برای من نکرده. ولی از بس خوبه من هیچوقت نتونستم فراموشش کنم بعد از مثلا این همه سال، همیشه فراموش کرد یعنی اینقدر خوبی‌ش کثرت پیدا کرده اینقدر تکثیر شده که قابل فراموشی نیست. اینجوری هم میشه آدم برای اون دنیا بفرسته. میگم حالا یه آبی، یه جایی احداث کنی، یه تسبیحی بذاری که با اون تسبیح شما توی مسجد. یه درختی بکارید. خیلی کارها میشه کرد. محدود نیست.

دوستان: یه نکته ای که هست در مورد همین برنامه که باید بهش اشاره کرد، این هست که در عالم برزخ فاصله بین مرگ تا قیامت هست، این افرادی که صحبت می‌کنند باصطلاح، یکی از علما هم اشاره کردند، اینها تجربه نزدیک به مرگ یعنی یک گوشه‌ای از عالم غیب فقط براشون پرده برداری میشه. یعنی یه عالم هست، فقط عالم غیب هست. اشتباها با عالم برزخ اشتباه نباید گرفت.

استاد: بله. توی تعریف عالم برزخ میگویند از لحظه مرگ شروع میشه. از لحظه‌ای که...

ببینید مرگ را ما به اون مفهوم نگیریم، خروج روح را از بدن، اینها یه خروجی داشتند منتها مثل "اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا" هست. روح رفته، کامل نرفته، برگشته. هر نوع خروج را، بالاخره رفته یه ملکوتی را دیده برگشته. عالم ملکوت از لحظه مرگ شروع میشه تا قیامت و فایل فایل هست، مقطع مقطع هست. یه بخش بزرگی‌ش برزخ هست. انگار اینها تا اینجا رفتند یه سری به برزخ زدند و برگشتند توی همون ابتدای برزخ موندن و برگشتند. و گرنه اگر فقط بحث عالم قبر باشه حساب کتاب به این شکل، اینقدر جزئیات ما توی عالم قبر نداریم که بهشون پرونده اعمال نشون بدن و نمی‌دونم سر یه چیزی عذاب ببینند و اینها نه. یه گوشه‌هایی از عالم برزخ را دیدند.

سوال: صفات این حیوانات، چون یکیشون می‌گفت که شکل میمون بودند، خوک بودند، این صفات مثلا حیوانات را از کجا میشه تشخیص داد؟ مثلا میمون را به چه صفتی مشهوره؟ معمولا دلک‌بازی درمیاره یا یه ادایی در بیاره، ولی به انسان خدای نکرده بخواد اون شکلی بشه، چه صفتی؟

پاسخ: اینها توی روایات هست. من گمونم بحث میمون برای بحث، الان خاطر من نیست میترسم اشتباه بگم (دقیقه ۵۰) باید نگاه کنیم. بحث خوک، اعمال جنسی هست. بله اون بارز هست. ولی بعضی حیوانات خیلی بارز نیستند. مثلا اونهایی که صفت شون واقعا مشخصه مثلا روباه مکار هست، به این صفت چیز شده. ولی بعضی حیوانات خیلی آدم نمیدونه. مثلا میمون چه صفتی داره؟ مسخره کردن، شیطنت؟ ممکنه. میگم چون یادم نیست چیه، می‌ترسم روایتش را اشتباه بگم.

سوال: یکی بود که می‌گفت مثلاً آقایی که من دیدم مومن بود، نماز خون بود، حاجی بود، همه روش حساب می‌کردند، چیزی نبوده که مثلاً اگر صفت مسخره کردن را داشته توی دنیا خب یه صفت بارزی بوده ولی این گویا مخفی بوده یه صفتی بوده در درونش. می‌خوام بدونم؟ پاسخ: اتفاقاً من یه نقدی به همون قسمت خوندم، گفتند که باید توی اون برنامه می‌گفتند که چرا به چه دلیل اونها میمون شدند؟

چرا اون آقایی که داشت تعریف میکرد ابا کرد از اینکه بگه که مصداق کدوم گناه بوده؟ اسم شخص را که نمی‌خواست بگه که. مصداق کدوم گناه میمون شدن هست.

گفت نمی‌دونم. نه گفت نمیتونم بگم.

نه متوجه نشده بود اون آقایی که برای امام زمان....

ولی باید تبیین میشد چون اتفاقاً توی روایت داریم کیا به شکل میمون هستند، کیا به شکل خوک؟ گفتم اون ویژگی که توی دنیا بولد میشه اونجا خودش را نشون میده.

ولی اینکه اینها رفتند یه گوشه ای از عالم برزخ را دیدند و برگشتند، این مشخصه.

چون اگر عالم فقط یعنی قبل از برزخ باشه کجا قبل از برزخ اعمال اینقدر راحت نشون داده بشه بعد قضاوت بشه بعد حتی گوشه‌هایی عذاب داده بشه یا.. اینها را نداریم. برزخ از لحظه این خروج روح از بدن هست تا قیامت. خیلی وسیع هست، بهش می‌گیم عالم ملکوت.

من توی عوالم یادم هست که اینها را کاملاً باز کردیم توی اون اوایل نمی‌دونم جلسه سی‌ام بود یا چهلم. عوالم را که کامل باز کردیم عالم ماده بود، طبیعت، ناسوت، لاهوت، جبروت. همه اینها را گفتیم. ذیل سوره غافر باید باشه.

توی مجمع گفتند که طائر عمل انسان هست. این آیه را هم بگم بریم سراغ مبحث بعدی مومن. عمل آدم را به طائر تشبیه کرده چون که از چپ و راست پرواز می‌کنه عربها اون را به فال نیک می‌گیرند. اگر از چپ به راست پرواز کنه میشه فال نیک. اگر از راست به چپ پرواز کنه توی ادبیات عرب، میشه فال بد.

پرنده؟ بله طائر. دو تا حال دارند یا فال نیک می‌گیرند یا فال بد می‌گیرند.

سوال: یعنی کلا هر پرنده ای را؟ پاسخ: بله؛ حالا اینجا مصداق، عمل هست.

باب تفاعلش میشه چی؟ "إِنَّا تَطَيَّرْنَا". فال زدن. از ریشه طیر هست همون پر و پرواز و اینها هستش ولی چون از اول مرغان را دو حالت برایشون در نظر می‌گرفتند، نگاه می‌کردند هر پروازی را، می‌گفتند این نیکه، این بده. از بس این اصطلاح رواج پیدا کرد به هر گونه فال زدن، گفتند چی؟ "نَطِيرُ". "إِنَّا تَطَيَّرْنَا" ما نسبت به شما فال بد می‌گیریم. معمولاً تفاعلش هم منفیه.

و علامه می‌فرمایند که خواست خدا اینه که هر چیزی که سعادت و شقاوت را به دنبال خودش برای انسان میاره همواره در گردن اون باشه. یک جزء لاینفک از ما هست و "وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى". "وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى". خب تا اینجا باشه. آهان این آیه را هم تموم کنم.

"وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (۱۳)"

کتاب مال همون کتاب عمل هست. حقایق اعمال آدمی هست. می‌گه که "وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا" بعد حقیقت اعمال جلوه پیدا میکنه. هیچ ابهامی نداره. و خدا در سوره قاف می‌فرماید "لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ" این بود، تو نمی‌دید. تو در غفلت بودی. "لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ"

امروز چشم تو چی شده؟ تیز شده. این بوده، این الان خلق نشده. این اعمال از دنیا بوده همینجوری بوده، تو تازه داری می‌بینی. یعنی ما تازه اونجا می‌بینیمش نه اینکه اون تازه به وجود اومده باشه. اون از اول بوده. اعمال ما از اول بوده. ما تازه اونجا می‌فهمیم چه خبره؟ یه پرده ای از کنار چشممون میره کنار "فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ".

سوال: پرده همون عالم ماده میشه؟ پاسخ: آره دیگه. هر چیزی که مانع دید ما بوده.

سوره آل عمران: "يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۗ"

اینکه هر چیزی برای ما حاضر شده هست پس این کتاب مثل کتاب معمولی نیست. از همون اعمال هست.

سوال: منظور از کتاب، ثبت شده هست؟ پاسخ: بله. چیزی که ثبت شده، هیچوقت گم نمیشه.

یه جوری هست که اونیه که اون دنیا می‌بینه آرزو می‌کنه که کاش بین من و عمل بد من، زمانها فاصله داشته باشه.

"أَمَدًا بَعِيدًا" آمد یعنی زمان، چون اگر فاصله مکانی باشه احتمال رسیدن بهش هست ولی اگر بگه ایکاش من الان اینجا بودم مثلاً، عمل بد من ۲۰۰ سال قبل بود اینا بهم نمی‌رسند دیگه. برای همین می‌گه: أَمَدًا.

نمیگه: فاصله. "أَمَدًا" فاصله زمانی.

خب تا اینجا بمونه آیه ۱۳. بریم سراغ عرفان‌های کاذب، امروز ان‌شاءالله این بحث را باز بکنیم اصلاً ببینیم عرفانهای کاذب چی هست؟ متأسفانه توی فضای مجازی خیلی این الان پررنگ هست.

وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لِلَّهِمَّ اجْعَلْنَا وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ